

## پژوهش‌نامه‌ای پیرامون انجمن سلطنتی حشره‌شناسی مصر دکتر دبلیو اینس بی<sup>۱</sup>

مترجم: محمدرضا بهزادی<sup>۲</sup>

آنچه از آن به عنوان پویایی تمدن و فرهنگ هر قوم و ملتی یاد می‌شود، به یقین ریشه در اندیشه‌ها و تفکرات پیشینیان آن قوم داشته و عصاره‌ای از تجربیات و آموزه‌های والای ایشان است. دانش‌هایی که تنها، دانش بی‌کردار نماند و چون دانه‌ای ناروینده و درختی نابارور عمر سپری نکرد. دانش‌ها از فکر ملت‌ها برخاست و رو به سوی کمال نهاد و پلکانی شد برای ترقی بشریت حال و بنیادگذاری گردید برای دانش‌های امروزی انسان‌ها و به حقیقت باید گفت گرچه بسیاری از این تمدن‌ها به فراموشی سپرده شدند و از میان رفتند، نگاه بشر و دانش امروز به ایشان با دیده احترام می‌نگرد. هر قومی که فرهنگ شایسته اعتنا و توجه داشته باشد، همواره زنده و جاوید است و اگر نداشته باشد، نه سزاوار زندگی و بقاست و نه می‌تواند باقی بماند.

این‌گونه بود اقلیتی که روزی در میان قبایل خویش و عشیره و خویشاوندان غریب و تنها بودند، آنچنان نور تعالی و نظر الهی بر دل‌هایشان دمید که هر غربتی را هر چند تاریک، بر ایشان چون قریب وصل روشن نمود. لشکری که بی‌ساز و برگ و بدون تاکتیک‌های مختلف نظامی، در اندک زمانی، بزرگ‌ترین امپراتوری‌های عالم را در نوردید و آنگاه که شمشیر از کف نهاد، قلم برداشت و تاریخی نوین بر عالم خاکی نگاشت. این سرآغاز یکی از تمدن‌های افتخار آمیز عالم گردید. تمدنی که در هر گوشه‌ای از شاهراه حیاتی عالم جای پای خویش نهاده و آثار فراوانی در اثبات وجودی‌اش، زینت بخش علوم عالم است. علومی که

1. Dr.W.Innes Bey.

2. behzadi268@yahoo.com

گیاه‌پزشک .

شاید امروز در پرتو پیشرفت‌های سده‌های اخیر و به خصوص قرون بیستم و بیست و یکم میلادی، ضرورت بررسی و کاوش در احوال پدید آورندگانشان از دست رفته و برخی می‌پندارند که اصل وجودی آنها نیز در حال که اینگونه پیشرفت‌ها حاصل شده، در هاله‌ای از بهت و حیرت و ابهام غوطه‌ور است.

از میان تمدن‌های برآمده از پرتو افکنی تعالیم اصیل اسلامی، تمدن مصر، جایگاه ویژه‌ای برای خویش در طول قرون متمادی و عصرهای پی در پی داشته و دارد و تمدنی که به قول نجیب محفوظ، پدر رمان نویسی عرب و برنده جایزه نوبل ادبیات، در زمانی مشخص از تاریخ، از ازدواج موفق دو تمدن دیگر متولد گردیده است. اولی تمدن فرعون‌ی است که هفت هزار سال قدمت و پشتوانه دارد و دیگری تمدن اسلامی است که یک‌هزار و چهارصد ساله است. آنچه امروز با عنوان تمدن مصر از آن یاد می‌شود، مولود این زفاف مبارک است که با دارا بودن خصوصیات منحصر به فرد خویش، با وجود وامداری به تمدن‌هایی که از آنها پا به عرصه هستی نهاده، در طول تاریخ دگردیسی‌های فراوانی را پشت سر گذاشته است. عظمت و رفعت بناهای مصر باستان و تکاپوهای علمی و فرهنگی امپراتوری اسلامی در مصر بر هیچکس پوشیده نیست. از آن روست که مصر را پایگاه تلاقی علوم مختلف عصر باستان با ادوار بعدی می‌نامند. علمی که در کارگاه دانشمندان و مکاتب علمی مختلف در اسکندریه و جیزه قدم به عرصه هستی نهاد و در کارخانه عالمان بزرگ در فسطاط و قاهره متکامل گردید و امروزه پایه‌های علوم جدید بر ویرانه‌های استوار آنها بنا نهاده شده است. شوربختانه در اینجا باید اعتراف غم‌انگیزی کرد که علوم پدید آمده پس از عصر رنسانس و به ویژه علوم طبیعی و طب، فلسفه منسجمی ندارد و انبوهی از داده‌های پراکنده است که ارتباط معناداری را نتوان میانشان جستجو کرد. به تبع پس از آن عصر دیدگاه به تاریخ و علم و فرهنگ از حالت رأفت به خصومت و ستیزه‌جویی تغییر بعد داد و آنچه‌آنکه ما امروزه شاهد تخریب محیط زیست پیرامون خویش هستیم، پیشتر از این در زمینه نابودی اندیشه‌های نیاکان ما نیز صورت پذیرفته است.

این تخریب اطلاعات و برون رفت داده‌های پیشینیان از دست بشریت، آنچه‌آنکه سریع و خانه بر باد ده بود که امروزه از برخی جز نام و نشانی اندک در میان معارف گذشتگان باقی نمانده است. نام‌هایی که بسیاری دور از اصالتند و نشانی‌هایی که بر گمراهی می‌افزایند و خرافات و باورهای شفاهی بسیاری جایشان را پر کرده است. اگر بشر امروز در میان انبوه اطلاعات خویش قدم به آزمایشگاه‌ها و پژوهشکده‌های مجهز می‌گذارد و بی‌رحمانه تن جانوران و گیاهان را می‌درد تا به یافته‌های جدید بپردازد، باید گفت در تمدن‌های گذشته نیز بدون اینگونه مستی‌های دیوانه‌وار برای علم اندوزی و تجربه‌آموزی‌های آزمایشگاهی، انسان محیط پیرامون خویش را به خوبی شناخته بود و بر اساس سود و زیان و تجربه و آموزه‌های باستانی که به احترام حراست می‌گردید، دست به کار تألیف کتاب‌های فراوان و رساله‌های متعدد شده بود. کتبی که در نهب و غارت بیابانگردان بی تمدن مغول و تاتار به جای اسباب گرمابخش سپاهیان در میان هیمنه‌های بی‌خردی نهاده شد یا ضمن غارت خودی‌ها (به عنوان نمونه، غارت قاهره به سال چهار صد و شصت و یک هجری توسط سپاهیان صلاح‌الدین ایوبی) در خانه‌های منصب‌داران به جای آتش زنه به کار رفت یا غلامان، پاپوش‌های خویش را با جلد‌های زیبای آنها وصله زدند.

بسیار موجب شغف نگارنده بود، اگر امروز به جای ذکر اقدامات بیگانگان اروپایی می‌توانست از اقدامات مسلمانان در زمینه بررسی‌های علمی (حشره‌شناسی) یاد کند؛ یا آنکه از تلاش‌های ایشان برای رشد و توسعه این علوم سخن بگوید، اما چه می‌شود کرد که در طول استحالتهای فراوان، این مطالب میان انبوه اطلاعات جدید پس از رنسانس و به ویژه پس از حضور ارتش ناپلئون در مصر از میان رفت و به بوته فراموشی سپرده شد. اگر همین مقدار اندک برجای مانده از تکاپوهای عالمان طبیعی‌دان اعصار گذشته مورد حفاظت قرار نگیرد، طعمه همان خاموشی و فراموشی خواهد بود.

علم شناسایی و طبقه‌بندی جانوران، به نظر می‌رسد یکی از قدیمی‌ترین دانسته‌های بشر بوده باشد. انسانی که آنچه اول بار درک کرد، همان بود که در محیط پیرامون خویش می‌دید و تفکیک آنها از یکدیگر برایش از روی اشکال حدوت یافته بود. بعدها همین نکته‌ها، چراغی فراروی پژوهندگان یونانی، ایرانی، مصری و بابلی نهادند تا جانداران اعم از گیاهان یا جانوران را بر اساس خصوصیات شکل‌شناسی طبقه‌بندی نمایند. میان تمامی جانداران، ارتباط نزدیک انسان از زمان باستان تا امروز با حشرات انکارناپذیر است. پس از کشت محصولات و اهلی کردن آنها توسط انسان، رابطه میان او و حشراتی که به محیط زیست و سهم غذایی ایشان دست‌درازی شده بود، بیشتر گردید و به نظر می‌رسد نخستین بررسی‌ها از این دست، میان کارهای پژوهندگان جای خویش را باز کردند.

پس از این چون شناخت پیرامون همواره در اولویت‌های انسان قرار داشت، رشته‌های علوم طبیعی که با علمی نظیر طبابت و کشاورزی ارتباط داشتند مورد توجه قرار گرفت و در آن میان علم حشره‌شناسی نیز مورد نظر بود. و به ویژه آنکه در سایه دانش‌های اندوخته شده ملت‌ها و تمدن‌های پیشین، بناهای رفیع علمی دیگری توسط تمدن‌های پس از آنها احداث می‌گردید که به تکمیل دانش کمک فراوانی می‌کرد. تمدن مصر باستان نیز با توجه به قرارگیری در منطقه خاصی از لحاظ آب و هوایی (مساعده جهت زیست انواع حشرات) و انبوهی کشت محصولات کشاورزی، دانش ارزنده‌ای در این باب کسب کرده بود که به گاه درهم آمیختن تمدن‌ها با یکدیگر توسط دانشمندان مسلمان مصری شکوفا و به درجه کمال رسید و باز نیز تأسف که در طول زمان، جز اندکی، بقیه معارف از میان رفت و دانش‌های ظریفی پیرامون علم حشره‌شناسی در این میان نابود گردید و تنها وجه مبارزه با حشراتی که اینک نام جدید آفت بر آن نهاده شده بود، مختصری مورد نظر قرار گرفت.

نگاه مصریان از گذشته، همواره به حشرات با دیده احترام و تقدس بود و برخی مانند سوسک‌های مقدس که در زبان مصری خپر نامیده می‌شود، در این تمدن مورد ارج فراوانی بوده است. زنبور عسل که به کرات در حجاری‌های باستانی مصر مشاهده می‌شود، علاوه بر اهمیتی که از لحاظ تولید عسل داشت و به نظر می‌رسد برای مصریان کاملاً شناخته شده بود، در خط تصویری هیروگلیف به عنوان عبارت احترام که در مقابل اسم پادشاهان می‌آمده، حجاری شده است. این دانسته‌های ما پس از ورود اسلام به سرزمین نیل، کمی رنگ ابهام به خود می‌گیرد و بیشتر درگیر بافته‌های نادرستی از تاریخ است که نمی‌توان بر آنها صحه نهاد و تنها این را می‌توان دریافت که از حدود قرن چهارم و پنجم هجری، برخی کوشش‌ها در این رابطه

توسط پزشکان و داروسازان یا برخی از گیاه‌شناسان و کشاورزی پژوهان صورت گرفته باشد. پس از رنسانس، در قرون پانزدهم و شانزدهم میلادی، با توجه به افول تمدن اسلامی در بیشتر ابعاد علمی و سقوط در گرداب قدرت طلبی‌های مختلف و ضعف حکومت‌ها و نگاه نادرست به علم و فراموشی آن که از حدود سال‌های ۴۱۶ - ۵۰۰ هجری آغاز گردید، اروپاییان تحت عناوین گوناگون، بر پایه دانش‌های اکتسابی از یونان و تمدن اسلامی دیگر بار نه برای هجمه و تاراج و کشورگشایی بسان جنگ‌ها صلیبی، بلکه به دلیل شناخت سرزمین‌های اسلامی و منابع طبیعی بکر آن، قدم به خاک خاورمیانه نهادند و تاریخ طبیعی بخشی از این جغرافیای افسانه‌ای از جمله مصر از این نقطه آغاز می‌گردد. این سرآغازی بود بر آنچه در اواخر قرن هجدهم و اوایل قرن نوزدهم توسط ارتش دانشمندان که به فرماندهی ناپلئون بناپارت رهسپار سرزمین مصر شده بودند، از این کشور کهن اسلامی استخراج گردید و موجب تألیفات فراوان و علم‌اندوزی‌های بی‌شمار قرن نوزدهم شد که تا آن زمان، یک تنه تمامی قرون پیش از خویش را از لحاظ جهش‌های علمی در احاطه گرفت.

نگارنده با توجه به علاقه‌مندی‌ای که به بازشناسی تاریخ مصر در قرون معاصر دارد، علاوه بر بررسی تاریخ سیاسی و اجتماعی آن، پس از برخورد با مطلبی که در اولین شماره نشریه انجمن سلطنتی حشره‌شناسی مصر<sup>۱</sup>، که به تاریخ شانزدهم ژانویه ۱۹۰۸ میلادی درج شده بود، دریافت که قطعه‌ای گمشده از تاریخ علوم طبیعی این کشور معظم و حلقه مفقوده از معارف بشریت را یافته و سعی بر آن کرد تا با برداشت و برگردان صحیح جملات و نگاه‌های آن، به گونه‌ای که به کار محققان، پژوهندگان و علاقمندان آید، سهم کوچکی در چگونگی شکل‌گیری علم حشره‌شناسی در مصر و معرفی اولین انجمن علمی حشره‌شناسی خاورمیانه بنماید. امید آنکه حاصل آن، موجبات شادی روح بزرگ استاد گرانقدر و ارجمندم، مرحوم مهندس هوشنگ برومند<sup>۲</sup> - که بسیار استادانه و با ظرافت، اولین بار جرعه‌های بررسی تاریخ علم حشره‌شناسی را در ذهنم افروخت - بوده باشد.

### سخنی پیرامون نشریه حشره‌شناسی مصر

این نشریه ابتدا در تاریخ شانزدهم ژانویه ۱۹۰۸ میلادی برای اولین بار تحت نظارت انجمن سلطنتی حشره‌شناسی مصر به ریاست دکتر فرانته<sup>۳</sup> انتشار یافت. پس از جلوس سلطان حسین کامل<sup>۴</sup> بر تخت نیابت

1. Bulletin de la Société Entomologique d'E'gypte.

۲. حشره‌شناس، محقق و پژوهشگر رده‌بندی حشرات؛ در گذشته به سال ۱۳۸۸هـ. ش.

3. M.M. G. Ferrante.

۴. سلطان حسین کامل فرزند خدیو اسماعیل و نورفلک خانم به تاریخ نوزدهم صفر ۱۲۷۰ هجری متولد شد و در تاریخ نوزدهم دسامبر ۱۹۱۴ میلادی پس از خلع خدیو عباس دوم از سلطنت مصر به حکومت رسید. سلطان حسین کامل پس از سه سال فرمانروایی در نهم اکتبر ۱۹۱۷ بدرود حیات گفت.

پژوهشنامه‌ای پیرامون انجمن سلطنتی حشره‌شناسی مصر / محمدرضا بهزادی

سلطنتی (ولایت)، مصر، توجه ویژه حکومت و شخص امیر احمد فواد که بعدها با نام ملک فواد اول<sup>۱</sup> بر تخت سلطنت تکیه زد، به بحث‌های حشره‌شناسی و دفع آفات فزونی یافت. در آن دوران زیر نظر انجمن سلطنتی حشره‌شناسی مصر، انجمن دفع حشرات مضره به سال ۱۹۱۱ میلادی تأسیس گردید. این ارگان نیز مقالات تحقیقاتی خود را در بولتن انجمن سلطنتی حشره‌شناسی مصر منتشر می‌ساخت. نشریه در قاهره طبع شده و ابتدا تنها دارای عنوان فرانسوی مجله بر روی جلد بود و بعدها پس از وفات ملک فواد نام آن به نشریه *انجمن فواد اول پیرامون علم حشره‌شناسی* تغییر نام یافت. پس از انقلاب مصر نام انجمن حشره‌شناسی مصر بر این ارگان نهاده شد و نام نشریه نیز به آن بدل گردید. این بولتن اکنون نیز در قاهره و زیر نظر انجمن حشره‌شناسی مصر به چاپ می‌رسد.

آنچه پس از این مقدمه در مقابل دیدگان شما قرار خواهد گرفت، قسمتی از تکاپوهای علمی از عصر باستان تا سال‌های اولیه قرن بیستم میلادی در شناسایی، طبقه‌بندی و تفکیک حشرات سرزمین مصر است. امید آنکه این کوشش سرآغازی باشد فراروی پژوهندگانی که میان انبوه اسناد تاریخی مربوط به علم، هر از چندی نکته‌ای می‌یابند که ایشان را یک گام به سر منزل مقصود راهنمایی می‌کند. مطلب توسط دکتر دلبیو. اینس بی - که از حشره‌شناسان مشهور مصر در اوایل قرن بیستم و از بنیانگذاران و اعضای اصلی انجمن سلطنتی حشره‌شناسی مصر بود - نگارش یافته و توسط نگارنده این سطور، برگردان و فراهم‌آوری شده است. امید اینکه مقبول طبع ظریف محققین ارجمند افتد.

\*\*\*

بناهای مصر باستان، مستور میان شن و ماسه، همچنان بر جای خود باقی مانده‌اند؛ قدیمی‌ترین دایرةالمعارف تاریخ طبیعی جهان همزمان با همین بناها شکل گرفت. تصاویر تعداد بی‌شماری از حیوانات، پرندگان، ماهی‌ها، حشرات و گیاهان، خواه در قالب خطی نوشتاری و خواه صحنه‌هایی از زندگی بر معابد و مزارهای باقی مانده از آن دوران نقش بسته و تزیینات داخلی آنها را شکل داده است. این تزیینات با چنان دقتی در جزئیات اعمال شده‌اند که می‌توان با اطمینان ادعا کرد مصریان آن عصر دوردست به سطح بسیار پیشرفته‌ای در دانش چگونگی مشاهده محیط اطراف و جزئیات آن دست یافته بوده‌اند.

البته شایان ذکر است که در این مستندات تاریخی و آثار هنری، بیشتر به بازآفرینی طبیعت پرداخته شده و نادیده گرفتن این موضوع باعث ایجاد شبهه می‌گردد؛ معمولاً هنرمندان به دلیل ماهیت کارشان، ناچار به حذف جزئیات متعددی می‌شدند، جزئیاتی که کامل‌کننده ساختمان کلی اثر بازآفرینی شده بود، اما این هنرمندان مشخصه‌های اساسی مربوط به هر قسم از جانوران را به خوبی برمی‌گزیده‌اند و تنها با تصویر کردن چند ویژگی از حیوان یا حشره آن را نمودار می‌ساخته‌اند. به طوری که کاملاً مشخص است که

۱. ملک احمد فواد فرزند خدیو اسماعیل و فریال هانم در سال ۱۸۶۸ میلادی متولد شد. پس از وفات سلطان حسین کامل، چون فرزند و ولیعهد او امیر کمال‌الدین در زمان حیات پدر از ولایتعهدی استعفا کرده بود ملک احمد فواد به سلطنت مصر رسید و از ۱۹۱۷ تا ۱۹۳۶ بر مصر حکومت کرد. در زمان حکومت او مصر از نظارت امپراتوری عثمانی خارج و دارای حکومت مستقلی گردید.

کدام حیوان یا حشره تصویر شده و هیچ مشکلی در تشخیص جانور نقش شده به وجود نمی‌آید. مشاهده طبیعت و تجزیه و تحلیل وقایع به تنهایی دست یافتن آنان به این هدف را ممکن می‌ساخت. برخلاف آنچه درهاروپولون<sup>۱</sup> (نام مجله‌ای است) نوشته شده، امروزه این مسئله مطرح است که مصریان هرگز حیوانات را ستایش نمی‌کرده‌اند، بلکه تصویر آنها بر معابد و مزارها تنها به عنوان نمادی از صفات الهه‌گان به شمار می‌رفت. شغال، حیوانی که در پی بوی لاشه به هر جا می‌رود و در چاله‌های تنگ و تاریک زیر زمین می‌زید، نمایانگر آنوبیس<sup>۲</sup>، الهه مرگ بوده است. سینوسفال<sup>۳</sup> (موجودی با بدن انسان و سر سگ) به الهه‌ای به نام توت<sup>۴</sup> نسبت داده می‌شد که نمایانگر هوش الهی و نیز - هنگامی که نشسته روی ترازوی قضاوت ضمیر، تصویر می‌شد - بوده است. آکتوکوس<sup>۵</sup> مقدس (نوعی سوسک) که تخم‌هایش را زیر زمین دفن می‌کند، بعدها به عنوان نماد چیزهای زیادی محسوب می‌شد؛ در خط تصویری از آن با لغت خپر یاد می‌شد که به معنی آمدن است؛ همچنین به عنوان نمادی برای بیان تغییر شکل یا دگردیسی به کار می‌رفت. زنبور عسل نیز که مطمئناً برای مصریان موجودی کمابیش شناخته شده بود، نمایانگر قلمروی جنوبی یا شمالی این سرزمین محسوب می‌شد.

سرودها و نیایش‌هایی برگرفته از طبیعت اشکال در آن دوران خوانده می‌شد، روشنگر این موضوع بود که رفتارها و ویژگی‌های مثبت و منفی حیوانات برای مصریان ناشناخته نبوده است. خلاصه، تمام اینها نشان می‌دهد که مصر نه تنها جایی مناسب برای پرورش انواع و اقسام علوم و هنرها، بلکه مهد علوم طبیعی نیز بوده است.

اگر این علوم که از زمان‌های بسیار دور شکل گرفته‌اند همان موقع توسعه می‌یافت، امروز، مصر در شناخت چگونگی شکل‌گیری پوشش ارضی، گیاهی و حیوانی‌اش بسیار پیشرفته‌تر می‌بود، ولی متأسفانه این سرزمین پرشگفتی نیز از قاعده‌ای کلی که کشورهای دیگر نیز دچارش می‌شدند مستثنی نشد، و پس از دوران اوج و شکوهش، رو به زوال گذاشت؛ در نتیجه از مردم گرفته تا چیزهای کم‌ارزش‌تری چون حیوانات، همه و همه نابود شدند. به دنبال این مصیبت‌ها، در نقطه‌ای از تاریخ، یک بیماری مسری سر رسید و به سبب مرگ و میر ناشی از آن، جمعیت بسیار متراکم آن زمان کاهش یافت و قومی وحشی همانند آفتی اخلاقی، این خطه باشکوه را تصاحب کرد، مردم آن را از پیشرفت فکری بازداشت، قدرت آنها را فلج کرد و کمی بعد نیز دانش مردم مصر تنزل یافت. اینجا یاد آور این نکته می‌شویم که این کشور با وجود محافظت سلسله بطالسه<sup>۶</sup>، امپراطوری روم و

1. Horapollon
2. Anubis
3. Ateucus
4. Thoth
5. Ateucus
6. Kheper
7. Ptolémées

سلسله فاطمیان<sup>۱</sup> از قلمرواش، هر از گاهی به صحنه‌هایی از جنگ و درگیری که به تئاتر شباهت داشت، بدل می‌شد و پیوسته مورد تجاوز و چپاول واقع می‌گردید. از دیدگاه علمی، ظهور [نپلئون] بناپارت برای مصر، عصری تازه را رقم زد و کمی بعد از آن، حکومت محمد علی<sup>۲</sup> باعث احیای تمدن مصر، سرزمین مادری‌اش شد و این روند به طور مداوم در حال ترقی بود.

بعضی حقایق که قبل از این دوره در خصوص پوشش گیاهی و حیوانی مصر در دست داشتیم، حاصل تحقیقات مسافرائی است که کنجکاوی، آنها را به دره رود نیل کشاند؛ با وجود تمام خطراتی که این سفر برای مسافران در پی داشت، آنان موفق به بازدید از منطقه و گردآوری مشاهداتی چند در زمان توقف خود و حین سفرهای مطالعاتی خویش شدند.

به جز مطالعه آثار سیاحت کنندگان پیشین چون هرودت<sup>۳</sup> (نخستین تاریخ‌نگار یونانی زبان)، استرابون<sup>۴</sup> (تاریخ‌نگار و جغرافی‌دان یونانی) و چند تن دیگر که از آنها یادداشت‌هایی کمابیش ناقص و خیالی در مورد حیوانات بر جای مانده است، باید برای بررسی دقیق‌تر، دوباره به آثار پیر بلون<sup>۵</sup> به سال ۱۵۵۸ و قبل از آن بازگردیم و مشاهدات اولیه او را که واقعاً درخور توجه است و از سال ۱۵۴۶ تا ۱۵۴۹ انجام داده، مورد مطالعه قرار دهیم.

پروسپر آلپین<sup>۶</sup>، پزشک و گیاه‌شناس ونیزی، ملقب به آلپینوس<sup>۷</sup> در سال ۱۵۸۰ همراه نجیب زاده‌ای به نام جورج امو<sup>۸</sup> که به عنوان رایزن و نیز از طرف جمهوری این کشور به قاهره فرستاده شده بود، به مصر آمد. آلپینوس سه سال در مصر اقامت گزید و در این مدت به مطالعه پوشش گیاهی موجود در این کشور پرداخت. اولین طبیعت‌شناسی که به شیوه‌ای علمی حشره‌شناسی مصر را مورد مطالعه قرار داد بدون شک پیتر

1 . Fatimites

2 . Mohamed Ali

محمد علی پاشا یا محمدعلی ابراهیم‌آغا، محمدعلی باشا القوللی در سال ۱۷۶۹ در شهر کاواله یا قوله از مناطق آلبانی که در آن زمان تحت سلطه امپراتوری عثمانی بود، متولد شد. اجدادش از اکراد مناطق شمالی سوریه به‌شمار می‌آمدند. اظهار مصری بودن محمد علی پاشا توسط نویسنده مقاله به نظر چندان منطقی نیست، مگر تنها به دلیل آنکه وی خدمات بیشماری به سرزمین مصر نمود، این مطلب به عنوان احترام آورده شده باشد. محمد علی پاشا از سال ۱۸۰۵ تا ۱۸۴۸ بر مصر حکومت و ولایت نمود و در ۱۸۴۹ درگذشت.

3 . Hérodote

4 . Strabon

5 . Pierre Belon

پیر بلون مشاهدات زیادی روی پدیده‌های منحصر به فرد و فراموش‌نشده‌ای در یونان، یهودیه، مصر، عربستان و کشورهای خارجی دیگر انجام داد و آنها را در سه جلد کتاب به تحریر در آورد. صص ۱۵۵۳ - ۱۵۵۸.

6 . Prosper Alpin

7 . Alpinus

آثار آلپینوس در سال ۱۷۳۵ با عنوان «به زبان ایتالیایی» در دو جلد از نو گردآوری و بازنویسی شد.

8 . Georges Emo

فرسکال<sup>۱</sup> است که زمانی تحت فرمان نیه بورگ<sup>۲</sup> به سیاحت علمی - پژوهشی در سوئد نیز مشغول بود. فرسکال در سال ۱۷۶۱ از مصر بازدید و ارزشمندترین یافته‌ها و مشاهدات را جمع‌آوری کرد. او در عربستان در گذشت و هیئت محافظت از آثار کارهایش را به چاپ رساند.

بعد از این زمان، یکی دیگر از کسانی که در زمره سیاحت‌کنندگان طبیعت‌شناس به حساب می‌آید و به مطالعه حشره‌شناسی مصر پرداخته، اولیویه<sup>۳</sup> است که در سال ۱۷۹۲ سفری به مشرق زمین در پیش گرفت. این دانشمند حشره‌شناس، کشفیات ارزشمندی انجام داد که در پیشرفت بعضی علوم مربوط به شناخت حشراتی که پوشش حیوانی سرزمین ما، مصر را تشکیل می‌دادند نقش بسزایی داشت.

ماری - ژول - سزار لارونی دو ساوینی<sup>۴</sup>، همراه [ناپلئون] بناپارت در سال ۱۷۹۸ به مصر آمد و ژنرال ناپلئون مطالعه بی‌مهرگان را به او سپرد. بی‌شک می‌توان ژول را از حشره‌شناسان قرن گذشته به حساب آورد؛ او به جمع‌آوری و انتشار بیشترین یافته‌ها در مورد حشرات موجود در مصر پرداخت.<sup>۵</sup>

تصاویر بی‌مهرگان در کتاب «توصیف مصر» از هر نظر کاری درخور توجه است؛ دقت در جزئیات تمام تصاویر موجود در این کتاب، به ما این امکان را داده تا اقسام نمایش داده شده را شناسایی کنیم؛ اقسامی که متأسفانه توضیحات کمی در موردشان داده شده است.<sup>۶</sup> از زمان انتشار این اثر بزرگ، یک قرن می‌گذرد [تاریخ نگارش این مقاله سال ۱۹۰۸ میلادی است] و با همه پیشرفت‌های متمادی در حوزه علوم طبیعی، کتاب ساوینی هنوز هم پایه تمام تحقیقات روی بی‌مهرگان موجود در مصر است. تخته‌های کنده‌کاری شده از تصاویر حشراتی که او بر جای گذاشته، علم پیکرنگاری را بنیاد نهاد و عامل مهم‌ترین دانسته‌های امروز ما در مورد طبقه‌بندی بعضی از انواع حشرات مصر محسوب می‌شود. جای بسی تأسف است که بیماری ساوینی به او اجازه نداد تا این اثر بزرگ و مطالعاتش روی حشرات را تکمیل کند.

در واقع چهار گونه هستند که ساوینی از قلم انداخته، حتی اشاره‌ای به آنها نشده است و در نتیجه هیچ سندی دال بر مطالعه در خصوص قاب بالان یا سوسک‌ها<sup>۷</sup> (متنوع‌ترین راسته از حشراتند؛ ۴۰ درصد از

1 . Peter Forskal

2 . Nieburg

3 . Guillaume Antoine Olivier

سفر در امپراطوری مشرق زمین، مصر و ایران. ۱۸۰۱ - ۱۸۰۷، ۶ جلد، همراه نقشه.

4 . Marie-Jules-César

۵. توصیف مصر و مجموعه‌ای از مشاهدات و پژوهش‌هایی که در زمان لشکرکشی فرانسه به این کشور انجام شد. ۹ جلد کاغذ دورو، همراه نقشه، پاریس، ۱۸۰۹ - ۱۸۲۸.

۶. وضعیت سلامت ساوینی از سال ۱۸۲۴ نگذاشت او به مطالعات خود ادامه دهد. مسئولین وقت وزارت کشور در سال ۱۸۲۵ ویکتور اودوان، شاگرد ساوینی را به از سر گرفتن مطالعات استادش گماشت؛ او کار روی بی‌مهرگان را به اودوان محول کرد و از او خواست توضیح مختصری به منظور تفهیم ساختن تصاویر موجود در کتاب استادش ارائه دهد.

7. Coléptères



همه گونه‌های توصیف شده از حشرات جهان جزو راسته قاب بالان هستند، بال پولکداران<sup>۱</sup> (پروانه‌ها، شب پرها و پشیزبال‌ها به این راسته تعلق دارند)، نیم بالان<sup>۲</sup> (حشراتی که انتهای بالشان کلفت و ابتدای آن نازک و غشایی است، سن‌ها) و دوبالان<sup>۳</sup> (مگس، مگسک و پشه از این راسته هستند) وجود ندارد. طبق گفته اودوان<sup>۴</sup>، مقصود ساوینی به تصویر کشیدن تعدادی از انواع مختلف هر گونه بوده است، ولی او با توجه به زمان اندکی که داشته، از سال ۱۸۱۲ احساس می‌کند که ناچار است از این کار صرف نظر کند. کار نقش کردن تصویر حشرات روی تخته‌ها به پایان رسیده یا در حال اتمام بود؛ تصاویر ۳۰ نوع حشره، از جمله: ۷ تخته کنده‌کاری شده مربوط به حشرات راسته راست بالان<sup>۵</sup>، ۳ تخته از حشرات راسته بال توری‌ها یا رگ بالان<sup>۶</sup> و ۲۰ تخته از بال غشاییان<sup>۷</sup> که در مجموع حدود ۷۰۰ حشره را با جزئیاتی که آنها را از هم متمایز می‌کند، نمایش می‌دهند. اگر ساوینی می‌توانست کارش را به نتیجه برساند، ما امروز منبعی گرانقدر از پوشش حیوانی و حشره‌ای مصر در دست داشتیم، ولی اکنون باید به تدریج و حین کشفیات مختلف، این منبع را تکمیل کنیم.

در سال ۱۸۲۰، طبیعت‌شناس جوان آلمانی به نام کریستین گانفرید اهنبرگ<sup>۸</sup> که بعدها کارهای درخشانی در زمینه مطالعات میکروسکوپی انجام داد، همراه هیئت اعزامی ژنرال مینوتولی<sup>۹</sup> به مصر آمد و با کمک همکارش، فردریک همپریچ<sup>۱۰</sup> بیش از ۸۰ هزار نمونه گیاهی و جانوری جمع‌آوری کرد. ۹ نفر از همسفرانش یکی پس از دیگری در طول این سفر هلاک شدند؛ اهنبرگ تنها به آلمان بازگشت، یادداشت‌هایش را گردآوری کرد و اثری خارق‌العاده را در خصوص مشاهداتش بر روی پستانداران، پرندگان و حشرات موجود در مصر، نوبیا (منطقه‌ای واقع در شمال سودان و جنوب مصر)، عربستان و سوریه منتشر کرد. کلوگ<sup>۱۱</sup> (شیمیدان و زیست - فیزیکی‌دان انگلیسی متولد لیتوانی) مطالعات را از سر گرفت و تعاریفی در خصوص راست بالان، رگ بالان، نیم بالان، دوبالان، بال پولکداران، قاب بالان و بال غشاییان نقش شده به صورت رنگی روی پنجاه تخته ارائه داد و با این کار به نوعی به تکمیل مطالعات ساوینی پرداخت.<sup>۱۲</sup>

1. Lépidoptères
2. Hémiptères
3. Diptères
4. Victor Audouin

توصیف مصر. توضیحی مختصر در مورد تخته‌های کنده‌کاری شده حشرات. بخش اول، قسمت چهارم، صفحه ۱۸۸.

5. Orthoptères
6. Neuroptères
7. Hyménoptères
8. Christian Gotfried Ehenberg
9. Minutoli
10. Frederic Hemprich
11. Klug

۱۲. این تخته‌ها مربوط به حشراتی هستند که نزدیک به پانصد قسم را به نمایش گذاشته‌اند.

کیو<sup>۱</sup> در سال ۱۸۲۷ تصویری از حشرات منتشر کرد که تعاریف و توضیحاتی از لاتری<sup>۲</sup> (جانورشناس فرانسوی) را نیز به همراه داشت؛ شایان ذکر است که در این تصویر علاوه بر گونه‌های جمع‌آوری شده و مورد مطالعه از سودان، چند نوع حشره از نوبیا، منطقه شمالی مصر و واحه‌های شرقی نیز نشان داده شده‌اند؛ پس قسمتی از آن مربوط به پوشش جانوری سرزمین مصر است.

در سال ۱۸۳۴، در اثری قدیمی که در مورد آزمایش‌های انجام شده روی مومیایی‌های مصر بود، پتی گرو گزارشی از مطالعات هوپ<sup>۳</sup> روی حشراتی را ارائه می‌کند که وی در زیر نوارهای استفاده شده برای مومیایی کردن اجساد و نیز در بدن اجساد مومیایی شده کشف کرده بود.<sup>۴</sup> از این زمان بود که مطالعات بر روی حشرات مصر، چه به صورت مطالعه بر روی یک حشره خاص و چه مجموعه‌ای بزرگ از حشرات، در انجمن‌های گوناگون علمی اروپا و آمریکا انجام شد.

بدین ترتیب در سالنامه انجمن حشره‌شناسی فرانسه، در سال ۱۸۳۵ کاری ۶۰ صفحه‌ای همراه ۳ تخته کنده کاری شده از ا. لوفوبور<sup>۵</sup> می‌بینیم که در آن به توصیف مانتیس‌هایی<sup>۶</sup> (حشراتی که پاهای جلوشان بطوریست که گویی در حال نیایش‌اند) پرداخته که در صحراهای مصر و قسمت‌های گوناگون این سرزمین مشاهده کرده بوده است؛ او این مشاهدات را بین سال‌های ۱۸۲۹ تا ۱۸۳۰ زیر نظر دکتر پاریسه<sup>۷</sup>، رئیس انجمن پزشکی که در زمینه کنترل طاعون فعالیت می‌کرد انجام داد. در سال ۱۸۶۲، ژ. گرگوار<sup>۸</sup> در مقابل اعضای مؤسسه مصر گزارشی درباره «پرورش کرم ابریشم در مصر» قرائت کرد.<sup>۹</sup> فلیسین دوسولسی<sup>۱۰</sup> در

---

1. Caillaud

فردریک کیو- سفر به مروی، فازگل، در جنوب قلمرو سنار در سیوا و ۵ واحه دیگر. پاریس ۱۸۲۷، مراجعه شود به بخش چهارم، صفحه ۲۷۱ به بعد، تصویر بخش دوم.

2. Latreille

3. John Hope

4. Thomas Joseph Pettigrew

توماس جوزف پتی گرو- تاریخ مومیایی کردن در مصر و گزارشی از آداب و مراسم مومیایی کردن حیوانات مقدس به دست مصریان باستان، لندن ۱۸۳۴. مراجعه شود به صفحات ۵۴ و ۵۵.

5. A. Lefebvre

آ. لوفوبور- گروه جدیدی از راست بالان جزو خانواده مانتیس‌ها. سالنامه انجمن حشره‌شناسی فرانسه ۱۸۳۵، صفحه ۴۴۹ به بعد.

6. Erémiaphiles

7. Pariset

8. J. Grégoire

۹. گزارش مؤسسه مصر، بخش اول، ۱۸۶۲، صفحه ۴۷۹ به بعد.

10. Félicien de Saulcy

فلیسین دو سولسی، تشریح اقسام تازه‌ای از قاب بالان جمع‌آوری شده توسط م. دو سولسی از اکتبر ۱۸۶۳ تا ژانویه ۱۸۶۴ در سوریه، مصر و فلسطین به مطالعه حشرات پرداخته است. انجمن حشره‌شناسی فرانسه، مجموعه چهارم، بخش چهارم.

سال ۱۸۶۴، فهرستی از اقسام تازه‌ای از قاب بالان که پدرش در سوریه و مصر جمع‌آوری کرده بود، منتشر می‌کند. جوناویچ بی<sup>۱</sup> در سال ۱۸۶۶ با انجمن گیاه‌شناسی و جانورشناسی وین مکاتبه می‌کند و حاصل این مکاتبات اثری با عنوان «تشریح حشره تخریب کننده پنبه» است.<sup>۲</sup> در سال ۱۸۷۱ دو اثر مربوط به حشرات مصر منتشر شد؛ فرانسیس والکر، فهرستی از قاب بالانی را که ج. ک. لرد<sup>۳</sup> در مصر و منطقه ساحلی دریای سرخ جمع‌آوری کرده بود<sup>۴</sup> و دکتر اسکار اشنايدر مطلبی مربوط به پوشش جانوری و حشره‌ای مصر و فلسطین را منتشر کردند.<sup>۵</sup>

دکتر ل. کوخ<sup>۶</sup> در سال ۱۸۷۴ مطالعاتی ارزنده روی راسته عنکبوتیان مصر و حبشه بر پایه اصول تحقیقاتی کارل ژیکلی<sup>۷</sup> انجام داد؛ کارل ژیکلی در سال ۱۸۷۱ به مصر آمد و رساله‌ای منحصرأ در مورد نرم‌تنان موجود در شمال شرقی آفریقا منتشر کرد.

پروفیسور آشیل کستا<sup>۸</sup> در سال ۱۸۷۵ تحقیقاتی در حوزه جانورشناسی را که هیئت علمی ایتالیا - که او و پروفیسور پائولو پانچری<sup>۹</sup>، امیلیو کورنلیا<sup>۱۰</sup>، فرانچسکو گاسکو<sup>۱۱</sup>، کریستوفرو بلوتی<sup>۱۲</sup> و مارکوس لویی جیچری<sup>۱۳</sup> همگی از اعضای آن بودند - در مصر انجام داده بود، به انجمن علوم فیزیک ناپلی<sup>۱۴</sup> ارائه کرد و مجموعه این تحقیقات در کتابی منتشر شد. مؤلف این کتاب، فهرستی از حشراتی را که هیئت علمی و عده‌ای از متخصصان از جمله بودی<sup>۱۵</sup>، مارسل<sup>۱۶</sup> و پاوسی<sup>۱۷</sup> جمع‌آوری کرده بودند، تنظیم کرد. انجمن جانورشناسی لندن در سال ۱۸۷۶ اثری جالب توجه، حاصل مطالعات دانشگاه کمبریج را روی

1. Jonavich Bey

۲. این اثر ۳۶ صفحه‌ای در سال ۱۸۳۷ در فرانسه و قاهره به چاپ دوم رسید.

3. J. K. Lord

4. Francis Walker

فرانسیس والکر - فهرست قاب بالان جمع‌آوری شده در مصر، عربستان و کرانه دریای سرخ توسط ج. ک. لرد با عنوان اقسام غیر قابل تعریف و توصیف. لندن ۱۸۷۱، ۱۹ صفحه.

5. Dr. Oscar Sehneider

6. Dr. L. Koch

7. Carl Jickeli

8. Achille Costa

9. Paolo Panceri

10. Emilio Cornelia

11. Francesco Gasco

12. Cristoforo Bellotti

13. Mrquis Luigi Crivelli

14. Naples

15. Baudi

16. Marseul

17. Pavesi

عنکبوت‌های مصر منتشر کرد.<sup>۱</sup> در پژوهشنامه انجمن کشاورزی مصر - که در آوریل ۱۸۸۰ پایه‌گذاری شد - مطلبی در مورد مشاهدات دکتر وچی<sup>۲</sup> و لاسکاریس<sup>۳</sup> روی حشره‌ای تازه کشف شده وجود دارد که موجب فساد پنبه می‌شود.<sup>۴</sup> دولت مصر، کمیته زراعت را در سال ۱۸۸۳ بنیاد نهاد و این کمیته تنها پژوهشنامه خود را در آوریل ۱۸۸۴ منتشر کرد؛ این پژوهشنامه حاوی گزارشی از کار آلبرت ایسمالوم<sup>۵</sup> درباره «آفت پنبه» است؛ همچنین در این گزارش می‌توانیم توضیحات و تصاویری رنگی از نمونه تولیدهای ساحلی [تولیدات کشاورزی دلتا و ساحل رود نیل] در شرایط گوناگون بیابیم.<sup>۶</sup>

آسیب‌های قابل توجهی که این حشرات موذی به مزارع پنبه وارد می‌کنند، برای بسیاری از کشاورزان نیز ایجاد دردسر کرده است؛ بنابراین دولت خود دست به کار شده و مطالعه روی راه‌های نابودسازی کرم این حشرات موذی را آغاز نموده و حاصل این مطالعات، در قالب چند گزارش چاپ شده است: «چگونگی نابود سازی کرم پنبه» نوشته ارنست سیکنبرگر<sup>۷</sup>؛ «کرم پنبه» پولای بی<sup>۸</sup>، ادوین زیگموند بی<sup>۹</sup> و علی افندی فهمی<sup>۱۰</sup>؛ «گزارشی برای انجمن حشره‌شناسی» آرتن پاشا<sup>۱۱</sup>، نایب رئیس انجمن مطالعات بر روی کرم پنبه دکتر و. اینس. بی<sup>۱۲</sup>؛ «گزارشی در مورد کرم پنبه به انجمن حشره‌شناسی جیکوب آرتن پاشا» دکتر عثمان

۱. فهرستی از عنکبوت‌های مصر همراه تشریح اقسام تازه و مشخصه‌های طبقه جدید، تهیه شده توسط دانشگاه کمبریج، انتشار یافته توسط انجمن جانورشناسی لندن، سال ۱۸۷۶، شماره ۳۶، ص ۵۴۱ - ۶۳۰.

2. Vecchy

3. Lascaris

۴. انجمن کشاورزی مصر از سال ۱۸۸۰ تأسیس شد. من فقط سه گزارش اول این پژوهشنامه را پیدا کردم؛ البته احتمال دارد که گزارش دیگری از این مجموعه وجود داشته که به چاپ نرسیده است.

5. M. Albert Ismalum

۶. مدیر آزمایشگاه خدیوی، مطالعه این حشرات موذی را به من سپرده و در واقع اینها مشاهداتی هستند که من در حین کار انجام داده‌ام.

7. Ernest Sickenberger

قاهره، ۱۸۸۷، ۸ صفحه.

8. Poilay Bey

9. Edwin Sigmond Bey

10. Aly Effendi Fahmy

مصر، دو ماهنامه، اوت ۱۸۹۵، شماره ۲۰ و ۲۱، صفحه ۶۵۶.

11. S. E. Artin Pacha

12. Dr. W. Innes Bey

منتشر شده توسط وزارت آموزش و پرورش قاهره، ۱۸۹۵.

بی‌قالب؛ «گزارش رسمی انجمن مطالعات بر روی کرم پنبه»<sup>۲</sup>؛ «اقسام عنکبوتیان بویزد»<sup>۳</sup>، «حشرات مضر پنبه در مصر» دلشواری<sup>۴</sup> و «کرم پنبه در مصر» ف. س. ویلکاکس<sup>۵</sup>. عثمان بی‌قالب در سال ۱۸۸۸ یادداشتی در مورد سوسک‌هایی که روی گیاهان پروانه‌ای شکل زندگی می‌کنند، منتشر کرد<sup>۶</sup> و ف. د. موریس نیز در سال ۱۸۹۷ گزارشی در مورد پروانه بید (جزو راسته بال پولکداران) - که به تازگی در مصر کشف شده بود - به چاپ رساند<sup>۷</sup>. در سال ۱۹۰۱ چ. ن. راسچایلد<sup>۸</sup> بعضی از قاب بالان موجود در مصر و سودان را تشریح کرد و فهرستی از گونه‌هایی که حین سفرش به مصر جمع‌آوری کرده بود، ارائه داد<sup>۹</sup>. ت. بکر<sup>۱۰</sup> که در سال ۱۸۹۸ به مصر آمد، چند سال بعد اثری جالب توجه در مورد دوبالان مصر منتشر کرد. وارن و چ. ن. راسچایلد به مطالعه دو گونه شناخته نشده از نمونه‌های بال پولکدارانی پرداختند که در وادی النطرون در سال ۱۹۰۲ جمع‌آوری کرده بودند<sup>۱۱</sup>. وزارت کشور در جهت کمک به نابودسازی ملخ‌ها، گزارشی ارزشمند از موریس بونیتین بی در مورد حمله ملخ‌ها در سال ۱۹۰۴ منتشر کرد<sup>۱۲</sup>. حشره‌شناسی به نام تنوبالد نیز در همین سال در خارطوم (پایتخت سودان) مطالعاتی روی پشه‌های مصر، سودان و حبشه انجام داد<sup>۱۳</sup>. هیئت سوئد زیر نظر پروفیسور جاگرسکیولد - که از سال ۱۹۰۴ مشغول تحقیقات جانورشناسی در مصر و سودان بود و من نیز افتخار همراهی ایشان را در سفری به نیل سفید داشتم - در سال‌های ۱۹۰۴ و ۱۹۰۵

#### 1. Osman Bey Ghaleb

روزنامه رسمی، ۱۹ اوت ۱۸۹۵، شماره ۹۶.

۲. قاهره ۱۸۹۶. این انجمن در ۲۴ جولای ۱۸۹۵ برای مطالعه تمام راه‌های ممکن به منظور نابودسازی کرم پنبه تأسیس شد.

#### 3. Bois

#### 4. Delchevalerie

گزارشی در مورد حشرات مصر. ۱۸۹۸، مجموعه سوم، شماره ۹، صفحه.

#### 5. F. C. Willcocks

سالنامه انجمن زراعت خدیوی، قاهره ۱۹۰۵، ۱۰۳ صفحه.

۶. گزارشی از حشرات موجود در مصر ۱۸۸۸، مجموعه ۱۱، شماره ۹.

۷. حشراتی که به تازگی در مصر مطالعه می‌شدند و اطلاعات زیادی در موردشان در دست نبود. این اثر ترجمه شده است. انجمن حشره‌شناسی لندن، ۱۸۹۷، قسمت سوم، صص ۳۰۱-۳۰۶.

#### 8. Ch. N. Rothschild

۹. قاب بالان مصر و سودان، جانورشناسی نویتات، جلد ۸، ۱۹۰۱، صفحات ۴۲۶ تا ۴۳۴.

#### 10. Th. Becker

۱۱. دو گونه تازه از پولک بالان وادی النطرون، مصر، پژوهشنامه حشره‌شناسی، جلد ۳۶، ۱۹۰۳، شماره ۴، ۴۸۴، صفحه.

۱۲. قاهره، ۱۹۰۴، در ۴ شماره.

۱۳. پشه‌های مصر، سودان و حبشه، نوشته فردریک و. تنوبالد، اولین تحقیق آزمایشگاهی در گردن مموریال کالج در خارطوم. اولین گزارش ۱۹۰۴، صص ۶۲ - ۸۳.

به انتشار نتایج تحقیقات خود پرداخت. از میان آثار جالب توجه و ارزشمندی که متخصصان بانی آنها بوده‌اند، می‌خواهم به چند اثر که مربوط به پوشش جانوری و حشره‌ای مصر است، اشاره کنم: «سوسک‌های آبی»<sup>۱</sup> نوشته د. شارپ؛ «بال پولکداران» چ. اوریولیوس؛ «مورچگان»<sup>۲</sup> دکتر گوستاو مایر؛ «شاخه سرونیان یا آنتن منشعبان»<sup>۳</sup> (سخت پوستان کوچک از رده آبشش پایان) و پاروپایان اسون اکمن؛ «دو گونه تازه شناخته شده از کک‌های مصر» اینار واهلگرن؛ «پرده بالان» ف. د. موریس و ج. اسزیلیجتی؛ «هیره‌ها» (هیره‌ها و کنه‌ها به راسته کنه‌سانان تعلق دارند. شمار زیادی از آنها به عنوان انگل روی حیوانات، گیاهان و کپک‌ها زندگی می‌کنند. این جانور ناقل بیماری آسم است، ولی بیشتر هیره‌ها غیر انگلی هستند و از پوست‌هایی که از انسان می‌ریزد و تکه برگ‌های فاسد تغذیه می‌کنند.) ایوار تراگارد؛ «تریپس گندم یا بال ریشک‌دار گندم و تروکتیداها (شبه رگ بالان)» گانتر اندرلین؛ «قاب بالان، سوسک تندرو یا ببری و سوسک زمینی»<sup>۴</sup> (قادر به پرواز نیست) ا. موجویرگ؛ «سوسک سرگردان»<sup>۵</sup> (بال‌های خیلی کوچکی دارند که باعث می‌شود شکمشان معلوم باشد.) ا. فاول؛ «سوسک‌های مردار خوار (سوسک‌های بسیار کوچکی که از آشغال‌ها تغذیه می‌کنند)، سوسک عنکبوتی»<sup>۶</sup>، سوسک مورچه مانند»<sup>۷</sup> موریس پیک؛ «سرگین چرخانان [سرگین غلطان] یا سوسک‌های شاخدار»<sup>۸</sup> (جزو راسته قاب بالان) ا. برنسکا، ف. اوهاس و ه. اوریبنی؛ «سوسک جواهری»<sup>۹</sup> (به دلیل رنگ‌های براقشان این نام را روی این سوسک‌ها گذاشته‌اند) چ. کرمانس؛ «سوسک الاترید یا سوسک‌های پشتک زن»<sup>۱۰</sup> (به خاطر صدایی که از خود تولید می‌کنند، این گونه نام گرفته‌اند) اد. فلوتید؛ «سوسک مته‌ای»<sup>۱۱</sup> پیر لزن؛ «سوسک تاریکی یا سوسک‌های تنبرونید»<sup>۱۲</sup> (به دلیل رنگ تیره بدن بال‌هایشان بدین نام معروفند) ه. جبین؛ «سوسک سرباز»<sup>۱۳</sup> (بیشترین گونه‌ای که از این نوع سوسک در بریتانیا یافت می‌شود، رنگ قرمز شفاف دارد که ما را به یاد سربازان بریتانیایی که لباس قرمز می‌پوشند، می‌اندازد)، سوسک‌های سر خرطومی»<sup>۱۴</sup> چ. اوریولیوس.

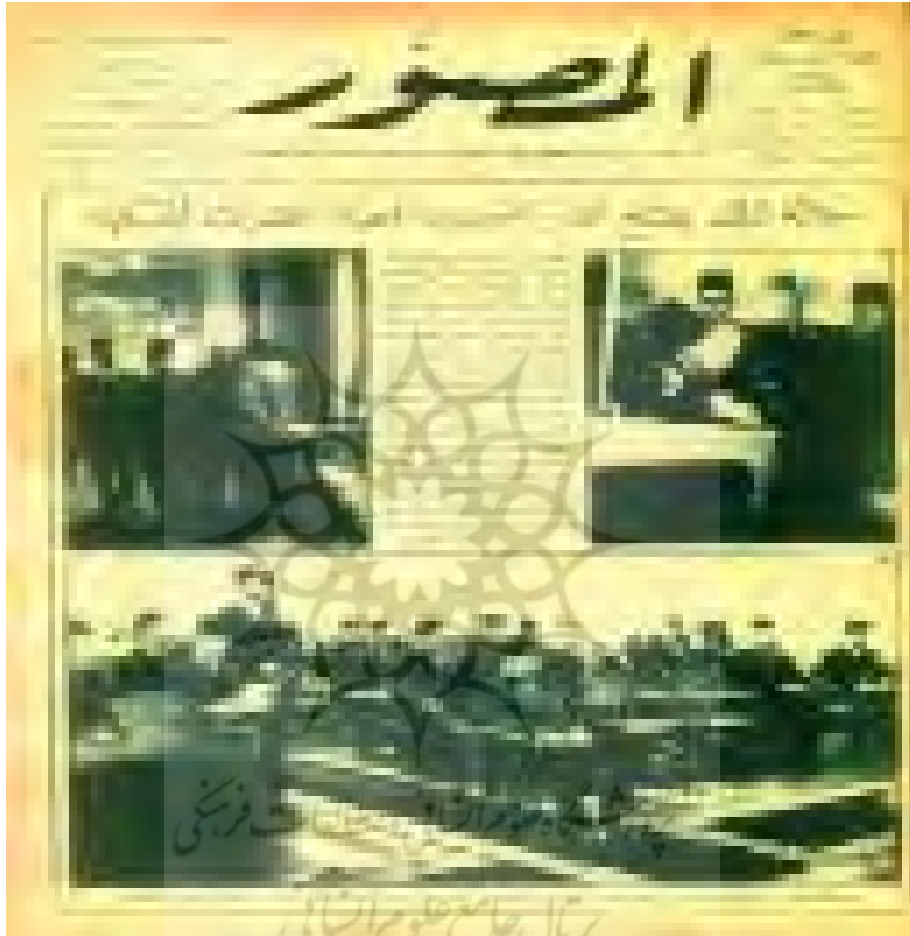
1. Dytiscides et Hydrophilides-water beetle
2. Formicides
3. Cladocères
4. Cicindelidae-tiger beetle
5. Carabidae-ground beetle
6. Staphilindae-rove beetle
7. Ptinidae-spider beetle
8. Anticidae- ant-like beetle
9. Scarabeidae- scarab beetle
10. Buprestidae- jewel beetle
11. Elateridae- click beetle
12. Ostrychidae- auger beetle
13. Tenebrionidae- darkling beetle
14. Cantharidae-soldier beetle
15. Curculionidae-snout beetle

در سال ۱۹۰۲، دکتر فرانز وارنر که در مصر و سودان تا غندکرو (واقع در جنوب سودان) به سیاحت پرداخته و در این راه موفقیت‌های زیادی نیز کسب کرده بود؛ از مدت زمان اقامتش در مصر استفاده کرد و به مطالعه راست بالان این سرزمین مشغول شد. او در سال ۱۹۰۵ نتایج تحقیقاتش را به صورت فهرستی قابل تأمل همراه رساله‌ای منحصراً در مورد مانتیس‌ها به آکادمی علوم وین ارائه کرد.

بالاخره همکار ما، م. ف. س. ویلکاکس به تازگی مطلبی در مورد نیم بالان مضر برای پنبه (آفت پنبه) به انجمن کشاورزی ارائه کرد که در آن روش‌های مبارزه کارآمد با آسیب‌های این حشرات نیز ذکر شده بود. گزارش فهرستوار من در واقع شرحی از مطالعات صورت گرفته روی پوشش جانوری مصر بود؛ موفقیت در تنظیم این گزارش را مدیون نویسندگانی می‌دانم که مرا در این راه یاری کردند. این گزارش در حقیقت چکیده‌ای از سال‌ها مطالعه اینجانب روی کتاب‌های دسته دوم و تاریخی است؛ مطمئناً کامل نیست و هنوز هم آثار متفرقه دیگری در سالنامه‌های انجمن‌های علمی وجود دارد که از قلم افتاده‌اند. تنها با روی هم گذاشتن دانشمان، تلاش جمعی و پایداری در تحقیقاتمان، می‌توانیم روزی تمام آنچه را در مورد حشرات منتشر شده، در کتابخانه انجمن خود گردآوری کنیم.

امیدوارم که انجمن‌های گوناگون در اقصی نقاط جهان، به تبادل اطلاعات با انجمن ما بپردازند و از این طریق به ما امکان دهند تا از همه مطالبی که در مورد حشرات مصر در کشورهای مختلف چاپ می‌شود، مطلع باشیم.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



پیام بهارستان / ۲۰، س ۴، ش ۱۶ / تابستان ۱۳۹۱

صفحه اول روزنامه المصور، چاپ قاهره به تاریخ سوم فوریه ۱۹۲۸ میلادی که اختصاص به گزارش ویژه ای در رابطه با افتتاح ساختمان جدید انجمن سلطنتی حشره شناسی مصر توسط ملک احمد فواد اول دارد.



پژوهشنامه‌ای پیرامون انجمن سلطنتی حشره‌شناسی مصر / محمد رضا بهزادی



دو تصویر از ساختمان انجمن سلطنتی حشره‌شناسی مصر و محوطه آن به گاه اجتماع حشره‌شناسان و محققین کشاورزی کشورهای مبارزه‌کننده با ملخ صحرائی در قاهره به سال ۱۹۳۶ میلادی.

پژوهشنامه‌ای پیرامون انجمن سلطنتی حشره‌شناسی مصر / محمدرضا بهزادی



پیام بهارستان / ۲۰، س، ۴، ش، ۱۶ / تابستان ۱۳۹۱

صفحه عنوان و روی جلد نشریه انجمن سلطنتی حشره‌شناسی مصر . در وسط نقش سوسک مقدس یا خپر، به عنوان نماد و آرم انجمن ملاحظه می‌شود .